

طلای تجربه

پژمان عرب

سرمدیبر

”

مسئله حیاتی، روایت چگونگی طی مسیری است که پیموده‌ایم. احصاء نرم‌افزار این پیشرفت‌ها است که مواجهه ما با مسائل گذشته و حال را متفاوت خواهد کرد. ما باید بتوانیم "چگونگی" پیشرفت کشور را جزء به جزء در بیاوریم و طلای تجربه‌ای که برآیند چند دهه کار و فعالیت میلیون‌ها ایرانی است را، در قالب‌های مختلف به تولیدات جذاب رسانه‌ای تبدیل کنیم

در سرمقاله پیشین درباره تصویری که از خودمان داریم صحبت کردیم و با شواهدی نشان دادیم این تصویر، نه تنها دقیق و جامع نیست بلکه گرفتار حاشیه‌ها و بزرگنمایی‌هایی است که بر موج عظیم و پیشران ملت به سمت قلّه‌ها و رویاهایش تأثیر گذاشته و انرژی این حرکت جمعی را می‌گیرد. مردم برایشان سوال می‌شود اگر ما می‌توانیم رصدخانه‌ای در تراز جهانی بسازیم یا در فناوری دارویی و تجهیزات پزشکی، توان سطح بالایی داریم و ربات جراحی از راه دور به کشورهای دیگر صادر می‌کنیم، یا اگر در صنعت ماهواره‌ای و هسته‌ای چنین هستیم که می‌گویید، پس چرا چمن ورزشگاه آزادی‌مان باید اینقدر بی‌کیفیت باشد! ده‌ها نمونه مشابه وجود دارد که خودمان هم می‌دانیم بیشتر در سطح بی‌ملاحظگی و کم‌کاری مدیریت میانی است، اما به هر حال در اوج همه‌های رسانه‌ای و بزرگنمایی‌های دشمن اثرگذار است. یاداشت قبل تلاش داشت از ضرورت داشتن نگاه تاریخی در وهله اول بگوید. حرف این بود که حافظه جمعی ما از وضعیت بیست سال پیش خودمان تهی است، چه برسد به چهل یا پنجاه سال گذشته! ما باید ابتدا نقطه عزیمت و سطح نخستین، نیازمندی‌ها و وابستگی‌هایمان را در دهه‌های گذشته و در عرصه‌های مختلف، با یک بازخوانی تاریخی نشان دهیم. ولی این قدم اول است و قدم‌های بسیاری پیش روی ماست. مسئله مهم‌تر و حیاتی، روایت چگونگی طی مسیری است که پیموده‌ایم. احصاء نرم‌افزار این پیشرفت‌ها است که مواجهه‌ی ما با مسائل گذشته و حال را متفاوت خواهد کرد. ما باید بتوانیم "چگونگی" پیشرفت کشور را جزء به جزء در بیاوریم و طلای تجربه‌ای که برآیند چند دهه کار و فعالیت میلیون‌ها ایرانی است را، در قالب‌های مختلف به تولیدات جذاب رسانه‌ای تبدیل کنیم. نسل امروز ما باید ببیند که پدران و مادرانشان با «همه با همه» جهاد سازندگی، خشت‌به‌خشت آن ویرانه‌ای که در بهمن ۵۷ از چنگال شرکت‌های چندملیتی و دولت‌های استعماری بیرون

کشیدند را خودشان از نو ساخته‌اند. "تجربه و چگونگی" طی این مسیر، هم حکم عقلانیت برای ادامه مسیر را دارد و موجب امیدافزایی و تأمین سوخت این موتور ملی و جمعی در حال حرکت خواهد بود، و هم محملی برای اندیشه و بررسی ضعف‌ها و قوت‌ها، پیشرفت‌ها و پسرفت‌ها و پاسخی مناسب به سوال‌های متعدد امروز خواهد شد. بی‌شک نرم‌افزار اصلی همه این پیشرفت‌ها، احیاء باور و روحیه «ما می‌توانیم» و امید به اینکه «مملکت آباد ساختنی است تا یافتنی» در انسان ایرانی است؛ باید همه بفهمیم هنوز که هنوز است فرمان «همه باهم» جهاد سازندگی، تاقط کامل وابستگی در خودروسازی و شکستن و بی‌اثر کردن بروکراسی فشل و خسته‌کننده، تا زمین زدن واردات تصفیه‌کننده‌ی توان داخل، ادامه دارد. این باورهاست که به سان سلولهای بنیادی جامعه، حیات‌دهی به رهروان این مسیر پرفراز و نشیب را در چندین نسل به عهده داشته است و می‌تواند دوران طلایی رشد و پیشرفت را بازآفرینی کند.

